

## برگردانی آهنگین از سوره یاسین

علیرضا بهار دوست

به نام یکتا خدایِ مهرگستر مهربان

۱. یاسین .

۲. سوگند به این قرآن سرشار از حکمت و بیان!

۳. که تویی از جمله فرستادگان .

۴. بر رهی راست [و درست بی هیچ گمان].

۵. فروفرستاده از سوی آن عزتمند مهربان .

۶. تا هشدار دهی قومی را که هشدارشان ندادند نیاکانشان؛ از این رو ایشانند سخت

غافلان!

۷. راستی که وعده [عذاب] بر بیشترشان سزا گشته؛ از این رو نباشند ایمان آورندگان .

۸. ما بر گردن هایشان تا چانه هایشان طوق ها نهاده ایم، در حالی که باشند دیده

فروبستگان .

۹. و بر پیش و پس آنها حائلی نهادیم و پرده فکندیم بر دیدگانشان و آنان نباشند

بینندگان .

۱۰. همانا تو هشدار می دهی کسی را که پیرو این پندنامه شود و بترسد به نهانی از

[خدای] رحمان و پس نوید او را به آمرزشی و پاداشی بس گران!

۱۱. و یکسان است بر ایشان چه بیمشان دهی و چه بیمشان ندهی، نیستند ایمان

آورندگان!

۱۲. ماییم که زنده می کنیم مردگان را و نویسیم آنچه را که پیش فرستادند و آثارشان! و

هر چیز را برشمرده ایم در کارنامه ای روشنگر و عیان!

۱۳. و مَثَل زَنِّ بر ایشان داستان مردم آن شهر را که آمدند بر آنان فرستادگان!

۱۴. آنگاه که به سویشان دو تن فرستادیم و چون تکذیب کردندشان، با سومی کردیم تأییدشان؛ پس گفتند که ماییم سویتان فرستادگان!

۱۵. گفتند که نیستید شما جز بشری مانندمان، و فرو نفرستاده است [خدای] رحمان چیزی را و شما نیستید جز دروغ گویان!

۱۶. گفتند: پروردگارانمان داند که ماییم سویتان فرستادگان!

۱۷. و بر ما نیست جز رساندنی روشن و عیان!

۱۸. گفتند: اگر دست برندارید، فال بد زنیما به شما و کنیم ما سنگسارتان! و رسد از ما عذابی سخت بر اندامتان.

۱۹. گفتند: آن فال بد - گر نیک بفهمید -، با خودتان است؛ بل، شما بید گروهی اسراف گران!

۲۰. و آمد از دورترین نقطه آن شهر شتابان مردی و گفت: ای قوم، پیروی کنید از این فرستادگان؛

۲۱. پیروی کنید زآنان که نخواهند از شما پاداشی و ایشانند هدایت یافتگان!

۲۲. و چرا من نپرستم آن که را بیافرید مرا و سوی او برندتان!

۲۳. آیا به جای او خدایگانی را پرستم که اگر آن رحمان خواهد گزندی رساندم، نه شفاعتشان سودی به من دهد و نه باشند مرا رهانندگان!

۲۴. در این صورت، حَقّاً که خواهم بود من در گمراهی آشکار و عیان!

۲۵. من ایمان آوردم به پروردگارتان؛ پس باشید مرا شنوندگان!

۲۶. گفته شد: به بهشت در آی! گفت: کاش قوم من بودند دانا بدان!

۲۷. که چگونه پروردگارم آمرزیدم و نهاد مرا در زمره گرامیان!

۲۸. پس از وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرو نفرستادیم و [پیش از این هم] نبودیم فروفرستندگان.

۲۹. نیست آن جز فریادی و بس؛ و به ناگاه ایشان فرسُردند بر جایشان!

۳۰. افسوس بر این بندگان! هیچ رسولی بر آنان نیامد مگر آن که بودند و راریشخندکنان!

۳۱. آیا ندیده اند چه بسیار نسل ها را پیش از آنان هلاک کردیم که دیگر ایشان نیستند

سویشان بازگشتگران!

۳۲. و قطعاً همگان هستند در پیشگاه ما احضارشوندگان!

۳۳. و این زمین مرده که زنده‌اش گردانیدیم، نشانه‌ای است برای ایشان؛ و بُرون کردیم از آن دانه را و [مردمان] می‌خورند از آن.

۳۴. و در آن نهادیم باغ‌هایی از درختان خرما و تاک و چشمه‌ها کردیم در آن روان.

۳۵. تا خورند از میوه‌اش و آنچه دست‌هاشان بار آورده؛ آیا باز نیستند سپاسگزارندگان؟!

۳۶. پاک است آن [خدایی] که همه را جُفت آفرید؛ از آنچه رویاند زمین و از خودشان

و از آنچه نیستند دانا بدان!

۳۷. و نشانه‌ای [دگر] برای آنها همین شب است که روز را از آن بر می‌کنیم و به

ناگاه هستند در تاریکی فرورفتگان!

۳۸. و خورشید روان است سوی قرارگاه خود؛ این است تقدیر آن عزتمند دانای مهربان.

۳۹. و معین کرده‌ایم برای ماه منزل‌هایی عیان؛ تا بازگردد چون شاخک خرما بُن

جوان!

۴۰. نه خورشید را سزد که رسد به ماه و نه شب که جوید پیشی به روز؛ و جملگی

هستند در سپهری شناگران!

۴۱. و نشانه‌ای [دگر] برایشان این که سوار کردیم نیاکانشان را بر کشتی آباشته، روان!

۴۲. و بیافریدیم برای ایشان مرکب‌هایی مانند آن!

۴۳. و اگر خواهیم غرقه‌شان می‌کنیم چنانکه نه فریادرسی داشته باشند و نه باشند

نجات یافتگان!

۴۴. جز این که رحمتی از جانب ما در رسد و تا مدتی کنیم برخوردارشان!

۴۵. و چون به ایشان گفته شود: از آنچه پیش رو دارند و آنچه پشت سر نهاده‌اید پروا

کنید، شاید مورد قهر قرار گیرید [از سوی آن خدای مهربان].

۴۶. و نیامد بر ایشان هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان؛ جز آن که شدند

رویگردان از آن!

۴۷. و چون به آنان گفته شود: انفاق کنید زآن چه خدای روزی داد شما را! کافران

گویند به مؤمنان: آیا خورانیم کسی را که اگر خدای خودش می‌خواست می‌خورانید ورا؟! و

شما نیستید جز در گمراهی عیان!

۴۸. و گویند: پس این وعده‌ی [عذاب] کی درخواهد رسید؛ اگر هستید راست گویان؟!  
۴۹. چشم نخواهند کشید جز فریادی بلند؛ که آنان را فرا گیرد در حالی که با یکدیگر باشند ستیزندگان!

۵۰. آن گه نه توانند وصیتی کنند و نه باشند سوی اهل خود بازگشت کنندگان!  
۵۱. و در صور دمیده شود؛ پس به ناگاه آیند از گورها سوی پروردگار خود شتابندگان!  
۵۲. گویند: وای بر ما! چه کسی ما را برانگیخته از آرامگاهمان؟! این است همان وعده‌ی خدای رحمان، و راست می گفتند فرستادگان!  
۵۳. این نیست جز یک فریادی بلند؛ که به ناگاه همگان هستند در نزدمان حاضران!  
۵۴. امروز نرود هیچ ستم بر کسی ذره‌ای! و پاداش نگیرید جز در برابر آنچه عمل کرده اید بدان!

۵۵. در این روز، بهشتیان، هستند سرگرم و خوش، شادمان!  
۵۶. آنان و همسرانشان در زیر سایه‌ها هستند بر تخت‌ها تکیه کنان!  
۵۷. در آن جا برای آن‌هاست هر میوه‌ای! و هرچه بخواهد دل‌هایشان!  
۵۸. و سلامی است از جانب آن پروردگار مهربان!  
۵۹. و امروز جدا شوید ای مجرمان!  
۶۰. ای آدمیزادگان! مگر ننمودم شما را سفارش، که مپرستید شیطان را که اوست بر شما دشمنی عیان؟!!

۶۱. و پرستید مرا؛ که این است راهی راست [هان]!  
۶۲. و گمراه کرد بسیاری از شما را، آیا نیستید خردورزان؟!  
۶۳. این است آن دوزخی که وعده داده می شدید بدان!  
۶۴. اکنون درآید در آن به سزای کفرتان!  
۶۵. امروز مهر زنیم بر دهان‌هایشان؛ و گویند سخن با ما دست‌هایشان؛ و بدان چه کسب کرده‌اند، گواهی دهند پاهایشان!  
۶۶. و اگر خواهیم، گیریم روشنایی دیدگان‌شان؛ تا در راه پیشی جویند بر یکدیگر؛ ولی از کجا هستند بینندگان؟!  
۶۷. و گر خواهیم، ایشان را در جایشان مسخ می کنیم؛ که نه توانند روند و نه باشند بازگشت کنندگان!

۶۸. و هر که را عمر دراز دهیم، در خلقتش ورا دچار اُفت می کنیم؛ آیا نیستید  
خردورزان؟!

۶۹. و شعر بدو نیاموختیم و در خور وی نیست؛ این نیست جز یادکردی و قرآنی  
روشنگر و عیان!

۷۰. تا هر که را زنده است، بیم دهد؛ و گفتار محقق گردد درباره کافران!  
۷۱. آیا ندیده اند که ما برای آنان از آنچه دست های [توانای] مان بار آورده، آفریدیم  
چهارپایانی را، پس آنان اند که آنها را باشند مالکان؟  
۷۲. و رام گردانیدیم آنها را برایشان؛ از برخی شان سواری می گیرند و برخی را خورند  
[به نوش جان]!

۷۳. و ایشان راست سودها و مَشاری در آن ها؛ پس چرا نیستند سپاس گزارندگان؟!  
۷۴. و گرفتند خدایگانی به پرستش جز یکتاخدای! تا مگر باشند یاری شوندگان!  
۷۵. [ولی بُتان] نتوانند دهند یاریشان و هستند چون سپاهی حاضر برایشان!  
۷۶. پس محزون نکند تو را گفتارشان؛ که ما دانیم آنچه را پنهان کنند و آنچه را کنند  
آشکار و عیان!

۷۷. آیا آدمی ندیده است که ما بیافریدیم ورا از نطفه ای؟! پس ناگه شده است ستیزه گری  
آشکار و عیان!

۷۸. و مثلی آورد برای ما و کرد فراموش آفرینشش؛ گفت: چه کسی این استخوان های  
پوسیده را بخشد زندگی به آن؟!

۷۹. گفت: بخشد زندگی بدان همان کس که آفریدش بار نخست! و اوست که دانا است  
به هرگونه آفرینشی!

۸۰. همو که نهاد در درخت سبز برایتان آخگری! که آفرزید آتش از آن!  
۸۱. آیا کسی که آسمان ها و زمین را بیافرید، نیست توانا که بیافریند مانند آن؟! آری،

هموست آن بسیار آفریننده دانای مهربان!  
۸۲. کارش همین بس که چون کند اراده چیزی، گوید بدو: موجود شو! پس بی درنگ  
شود موجود همان!

۸۳. پس پاک است آن که در دست اوست زمام همه آفریدگان؛ و به سوی او برندگان  
[بی هیچ گمان]!